اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و چهل و دوم)

درمان بیماری (بخش سیزدهم)

گرمی و سردی (۱)

یک داستانی هست که میگوید پادشاهی در یک شب سرد زمستان از قصر خارج شد. هنگام بازگشت نگهبانی را دید که در سرما نگهبانی می‌داد، از او پرسید: آیا سردت نیست؟ نگهبان گفت: چرا سردم است، اما لباس گرم ندارم و مجبورم تحمل کنم. پادشاه گفت: من الان داخل قصر که رفتم، دستور میدهم یکی از لباس‌های گرم مرا برایت بیاورند. نگهبان ذوق زده شد و از پادشاه تشکر کرد. اما پادشاه داخل قصر شد و وعده‌اش را فراموش کرد. صبح روز بعد جسد سرمازده نگهبان را در نزدیک قصر پیدا کردند، در حالی که در کنارش یادداشتی پیدا کردند که روی آن نوشته بود: ای پادشاه من هر شب با همین لباس خودم، سرما را تحمل می‌کردم اما وعده لباس گرم تو مرا از پای درآورد! هدف از ذکر این داستان، ذکر این نکته بود که دل خوش

کردن به گرمی ها؛ آدمی را ضعیف میکند و از پا می اندازد. گرمی ها مقاومت جسمی و روانی آدمی را پایین می آورند.

در بخش درمان بیماری ایوب بیان شد که سردی (بَارِدٌ) راهکار درمان بیماری است. سردی در آن آیه به معنای یخ و یا دمای پایین نیست؛ بلکه فراتر از این معنا در آیه مد نظر است.

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿۴۲﴾
[به او گفتیم] با پای خود [به زمین] بکوب اينك اين چشمه ساری است سرد و آشامیدنی (۴۲)

اگر در گرمای تابستان، از کولر استفاده شود، این به معنای استفاده از سردی نیست و بلکه استفاده از کولر در تابستان، یک نوع گرمی است. زیرا تابستان فصل گرماست و باید انسانها خود را با هوا و محیط تابستان تماس دهند و با آن مغتسل شوند. به همین خاطر در آیه ، از دو کلمه مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ **پشت سر هم استفاده فرموده است. یعنی با شرایط محیطی مغتسل شوید. یعنی در تابستان از کولر و خنک کننده های مصنوعی استفاده نشود. خوردن آب یخ بعد از غذا، سردی نیست و بلکه این خودش یک نوع گرمی است. مومنان در زمان پیامبر نوح، یک نوع غسل داشتند که خود را با آب رودخانه غسل می دادند. اما قرآن، به عنوان آخرین کتاب آسمانی؛ راهکارهای گسترده تری برای اینکار ارائه داده است. زیرا اکنون زندگی ها وارد فاز امکانات و ابزارآلات جدید شده است و مغتسل شدن با طبیعت اهمیت بیشتری پیدا کرده است.**

غسل در رودخانه دیگر برای نسل ما کاربردی ندارد و میسر هم نیست. هم اکنون باید از دل این همه امکانات و ابزارهای مصنوعی، مغتسل شدن با طبیعت و نظام رحمانی را بکاربرد. انسانها باید استفاده از گرمی ها را به حداقل برسانند و تا حد امکان و توانایی سعی شود، روان و جسم خود را با نظام رحمانی هماهنگ کرد. وقتی شب است، بخوابیم؛ وقتی روز است ؛ تلاش و کار و کوشش کنیم؛ وقتی زمان نماز رسیده است، نماز به جا آوریم؛ وقتی رمضان است، روزه بگیریم و همینجوری برای سایر امورات. غسل جدید طبق قرآن به این صورت است که بیان شد. در یک جمله خلاصه شود که :

ما باید جسم و روان و زمانبندی های زندگی خود را با نظام رحمانی هماهنگ کنیم. نظام رحمانی در روال درستش به سر می برد و کار خود را به درستی انجام میدهد. اما گرمی های مصنوعی سعی دارند که انسان را وارد فاز جدیدی کنند و بمرور او را بیمار و وابسته و معتاد میکنند. متاسفانه انسان سعی دارد خلاف این روال عمل کند. او سعی میکند شرایط محیطی را تغییر دهد و طبق میل خود در آورد و به این طریق میخواهد نظام رحمانی را با خود هماهنگ کند. انسان بجای اینکه خود را با نظام رحمانی هماهنگ کند، سعی دارد نظام رحمانی را شبیه سازی و طبق خواسته خود در آورد.

تعداد ماههای سال دوازده است از اول خلقت تابحال. تعداد ماههای حرام هم چهار تاست. در زمان پیامبر محمد، مشرکان میخواستند که ماههای حرام را جابجا کنند و به این طریق نظام رحمانی را دستکاری میکردند. خدا این کار را کفر می نامد. در عصر ما هم، بهائیان تعداد ماههای سال را از دوازده به نوزده تغییر دادند.

قوانین نظام رحمانی غیر قابل تغییر است و نباید آن را دستکاری کرد. با قوانین نظام رحمانی باید مغتسل شد و باید با آن، خود را وفق داد. اما این فرقه ها میخواهند نظام رحمانی را دستکاری کنند و آن را با خود همراه کنند.

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۳۶﴾

در حقیقت شماره ماه ها نزد خدا از روزی که آسمانها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است از این [دوازده ماه] چهار ماه [ماه] حرام است این است آیین استوار پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید و همگی با مشرکان بجنگید چنانکه آنان همگی با شما می جنگند و بدانید که خدا با پرهیزگاران است (۳۶)

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۷﴾

جز این نیست که جابجا کردن [ماههای حرام] فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند آن را یکسال حلال می شمارند و یکسال [دیگر] آن را حرام می دانند تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود]

حلال گردانند زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند (۳۷)

خدای مهربان، سلامت و خوشبختی بشر را در هماهنگ بودن با این قوانین رحمانی قرار داده است. اشعار ، فال حافظ، جملات ذهن مثبت که همگی از انسان تعریف میکنند و به به و چه چه میکنند، مظلوم نمایی، خیلی از آهنگهای آلفایی، خود را در فاز غم و غصه فرو بردن و بسیاری از توصیه های روانشناسی، اینها همگی یک نوع گرمی و دل خوش کنک هستند که وضعیت روانی انسان را بدتر میکنند و مطابق جریان نظام رحمانی نیستند و بلکه مطابق جریان شیطان هستند. عشق هم یک نوع گرمی است از جنس گرمی شیطان. هر آنچه که انسان به آن معتاد شود، یک نوع گرمی است که سیستم ایمنی کالبد بدنی و مهمتر از همه سیستم ایمنی روان انسان را ضعیفتر میکنند. خدای مهربان بعضی گرمیها را برای ما انسانها گذاشته است تا که رتق و فتق امور خود را با آن انجام دهیم و البته تا این حد که امورمان انجام شود. اما دلخوش کردن به آن اشتباه است. اما شیطان به این گرمی ها، آتش خود را می افزاید و مردم را در آمال و آرزوها و خیالات می اندازد و مردم را به وعده های دروغین سرگرم میسازد.

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۲﴾

و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می گوید در حقیقت خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریك می دانستید کافرم آری ستمکاران عذابی پردرد خواهند داشت (۲۲)

آدمیان با دل گرم شدن با گرمی های شیطانی، خود را نیازمند میکنند و در نتیجه دچار فقر و فحشا میشوند. فقر به این دلیل پیش میاید که مردم نیازهای کاذب زیادی برای خود بوجود می آورند و بعد از مدتی، از پس برآوردن این نیازهای کاذب بر نمی آیند و در نتیجه یا خود فقیر میشوند و یا سایر افراد جامعه را فقیر میکنند. فحشاء هم به دلیل گسترش نیازهای جنسی پیش میاید. نیازهای جنسی مشخص و معین هستند ولی انسان با گسترش و پر و بال دادن به آن، خود را در دریایی از نیازهای جنسی کاذب می اندازد که نمیتواند آن را برآورده کند و در نتیجه به فحشاء و روابط نامشروع کشیده میشود. شیطان انسانها را به سمت فقر و فحشا میکشاند. وعده ها و گرمی های شیطان، در نهایت به فقر و فحشا منتهی میشوند.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۸)

حتی گاهی شیطان آدمیان را به سردی بعد از گرمی وعده میدهد. مثلا میگوید: گناه کن، بعدش توبه کن. یعنی از این گرمی استفاده کن و لذت ببر و بعد توبه کن و سردی رویش بریز. حربه آخرین گناه یکی از کاری ترین حربه های شیطان است. برادران یوسف، گفتند فقط همین یکبار گناه میکنیم و یوسف را از جلو چشمان پدر دور می کنیم و بعد از آن افراد خوبی خواهیم شد!

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾

[یکی گفت] یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید تا توجه پدرتان معطوف شما گردد و پس از او مردمی شایسته باشید (٩)

این جور وعده های شیطان، جهت فریب است. انسانها با انجام گناه، در یک جریانهای دیگر خواهند افتاد و فرصت این جور برنامه ریزیها را نخواهند داشت. برادران یوسف، بالاخره نقشه خود را اجرا کردند ولی تا آخر عمرشان درگیر عواقب این نقشه شدند. نقشه های شیطان طبق برنامه ریزی گناهکاران پیش نخواهد رفت، بلکه طبق برنامه ریزی شیطان پیش خواهد رفت.

جای خیلی گرم و نرم، همسر و فرزندان و مال و اموال، اگر آدمی به آن دل ببندد، همگی یک نوع گرمی هستند.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

اموال شما و فرزندانتان صرفا [وسیله] آزمایشی [برای شما]یند و خداست كه نزد او پاداشی بزرگ است (۱۵)

کلمه فتنه که در آیه فرموده است، همان گرمی ها و دل خوش کن هایی است که در مسیر زندگی برای آدمیان پیش میاید و سر راه آدمیان قرار می گیرد. اگر آدمی به این گرمی ها دلخوش کند و تکیه کند، در فتنه افتاده است. آدمیان در میان گرمی ها قرار می گیرند و از آن رد داده میشوند تا آزمایش شوند (أَ حَسِبَ النّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ = مردم گمان می کنند، همین که گفتند: ایمان آوردیم، رها می شوند و در فتنه قرار داده نخواهند شد).

خدا به ما هشدار میدهد که شیطان شما را با گرمی های دنیایی و دل خوش کنک های این دنیا سرگرم نکند (يا بَنِي آدَمَ لا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطانُ = ای فرزندان آدم، شیطان شما را با گرمی ها مشغول نکند).

جهنم پر از گرمی های کاذب است. اگر آدمی در این دنیا به این گرمی ها دل خوش کند، روز آخرت در جهنم ، در وسط گرمی ها قرار خواهد گرفت (يَوْمَ هُمْ عَلَى النّارِ يُفْتَنُونَ - ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ = آن روز که آنها در آتش و گرمی انداخته می شوند و به آنها گفته می شود: بچشید گرمی ها و دل خوش کن های خود را).

یکی از خصوصیات جهنم این است که پر است از گرمی ها. البته نه گرمی لذت بخش؛ بلکه گرمی هایی که زیر دل آدمی میزند. در جهنم سردی وجود ندارد (لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا = در آنجا نه سردی چشند و نه شربتی) **و این بزرگترین بدبختیی است که میتواند دامنگیر بشر شود.**

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی (٢۴)
إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جز آب جوشان و چرکابه ای (٢۵)
جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ کیفری مناسب [با جرم آنها] (٢۶)

آیه زیر خیلی زیبا ثابت میکند که افتادن در فتنه همانا و جهنمی شدن همانا (أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ = هش‌دار که آنان در فتنه افتاده اند و بی تردید جهنم بر کافران محیط است). **کسانی که در این دنیای فانی جذب فتنه ها و گرمی های شیطانی میشوند، در نهایت جذب جهنم خواهند شد و هم اکنون جهنم برآنان محیط است و از همین حالا مثل هشت پا دور و بر آنان را گرفته است و در نهایت، روز آخرت آنان را لمس میکند.**

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٤٩﴾

و از آنان کسی است که می گوید مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه ام میانداز هش‌دار که آنان خود به فتنه افتاده اند و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد (۴٩)

فرق گرمی دنیا با گرمی جهنم این است که گرمی در جهنم در نهایت شدّت و حدّت خود قرار دارد. یک غذای شیرین، اگر شیرینی اش کم باشد، قابل تحمل است ولی اگر شیرینی اش زیاد باشد، زیر دل آدمی میزنند و بجای لذت، آدمی را عذاب میدهد. به این طریق فتنه نوعی آزمایش است، تا آدمیان شاهد وعده های دل خوش کنک و گرمی های شیطانی باشند و اما انسان باید زیر این وعده ها بزند و به سوی خدای عالمیان برود و خود را از این گرمی های خطرناک نجات دهد.

خدای حکیم مهربان استفاده از امکانات را منع نفرموده است. امکانات زندگی استفاده شود، ولی نه تا آن حد که به آن دلخوش کنیم و به آن دل ببندیم، که اگر این کار را بکنیم، به عنوان یک گرمی بحساب میایند و بیمار روانی و جسمی می شویم. این نوع گرمی ها یک نوع فتنه هستند.

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٣١﴾

و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم دیدگان خود مدوز و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است (۱۳۱)

کلمه فتنه در اصل یعنی گذاشتن آهن و یا طلا در آتش تا که ناخالصی آن گرفته شود و آهن محکم و یا طلای خالص تری بدست آید. انسانها هم باید از میان گرمی های این دنیا رد شوند و فقط به اندازه ای که خدا تعیین فرموده است، استفاده کنند و تا

حد ممکن از آن دوری کنند و پرهیز کنند تا انسان محکم و مومن و خالصی بدست آید. وعده حتمی و قطعی خدای متعال است که تمام انسانها از میان این گرمی ها و دل خوش کنها خواهند گذشت و البته فقط متقین جذب آن نخواهند شد. متقین کسانی هستند که جذب گرمی ها نخواهند شد و فقط به اندازه نیاز ضروری تا آن حد که خدا اجازه فرموده است، از آن بهره می برند.

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾

و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می گردد این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است (۷۱)

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾

آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده اند می رهانیم و ستمگران را به زانو درافتاده در آن رها می کنیم (۷۲)

اما ظالمین، کسانی هستند که به خود و دیگران ظلم میکنند. آنها بالاخره تسلیم گرمی های شیطان خواهند شد و در مقابل آن به زانو می افتند و معتاد آن میشوند. انسانها یا در مقابل خدا به دلخواه خویش تسلیم میشوند و اسلام می آورند و یا اینکه در مقابل گرمی جهنم، زانو زده و تسلیم آن میشوند. جِثِيًّا در عربی به معنای زانو زدن در مقابل چیزی است، یعنی زمین گیر شدن. یک معتاد ابتدا بصورت تفریحی مخدر مصرف میکند. ابتدا او اختیار مصرف و عدم مصرف خود را دارد. اما بعد از مدتی در

مقابل این مخدر تسلیم میشود و در مقابل آن زانو میزنند. مواد مخدر یک نوع گرمی هستند.

امکانات بهتر، گرمی های بیشتر، ظاهر زیباتر و فریبنده تر، مقام بهتر، محفل آراسته تر؛ همه اینها تفاخر و تکاثر و گرمی و دل خوش کن و زینت آلات دنیایی هستند که اقوام قبلی بهتر از ما آنها را داشتند و هیچکدام از اینها نتوانست آنان را از عذاب خدا حفظ کند.

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

و چون آيات روشن ما بر آنان خوانده شود كسانى كه كفر ورزيده اند به آنان كه ايمان آورده اند مى گويند كدام يك از [ما] دو گروه جايگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است (٧٣)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ﴿٧٤﴾

و چه بسيار نسلها را پيش از آنان نابود كرديم كه اثاثى بهتر و ظاهرى فريباتر داشتند (٧٤)

گاهی بعضی گرمی ها و دلخوشکنکها آنقدر خطرناکند که بفرموده قرآن، از کشتن خطرناکتر هستند (الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ = بعضی گرمی ها و دلخوشکنکها از قتل شدیدتر و خطرناک تر است).

بعضی روشهای درمانی در علوم پزشکی، آدمیان را معتاد میکند. به نظر من تحمل درد تا حد ممکن خیلی بهتر از این روشهاست. گرمی های زیادی بوجود آمده است

و همگی انسان را وابسته تر و ضعیف تر میکنند. آدمی باید خودش را با محیط طبیعت و رحمانی هم دما کند و خود را با آن مغتسل کند. اما انسان میخواهد شرایط دمایی محیط زندگی خویش را به سمت خودش برساند. او سطح محیط را به سطح خودش میرساند و او سعی دارد شرایط دمایی محیط را با شرایطی که خودش میخواهد وفق دهد. این اولین قدم برای مغتسل نشدن با طبیعت و نظام رحمانی است.

از جنبه مذهبی، مردم برای خودشان گرمی ها و دل خوشی هایی ایجاد کرده اند که در نهایت باعث ضعف روانی آنان میشود. یکی از این گرمی ها ، طلب شفاعت از بزرگان مذهبی و واسطه قرار دادن بزرگان مذهبی در مبحث توسل و شفاعت است. مبحث شفاعت و توسل بسیار غلط انداز شده است. باید بدانیم که طبق فرموده قرآن ما میتوانیم برای هر کسی که خواستیم شفاعت کنیم و برای او دعای خیر کنیم؛ اما خدای حکیم شفیع گرفتن و توسل به مردگان را منع فرموده است. از نظر قرآن، دعای خیر و شفاعت کردن برای دیگران مشکلی ندارد. اما شفیع گرفتن مشکل دارد. دلیل آن خیلی ساده است. افراد با شفیع قرار دادن بزرگان دینی ؛ شفاعت را به عنوان یک گرمی برای خود پذیرفته و در نتیجه روان خود را ضعیف و بیمار میکنند. ما روزانه در پنج وعده نماز خود، اقرار میکنیم که فقط خدا را عبادت می کنیم و فقط از خدا استعانت می جوئیم(ایاک نعبد و ایاک نستعین**). این جمله را که روزانه تکرار میکنیم، یک عهد است و باید به این عهد خود وفادار باشیم و از کسی غیر از خدای متعال استعانت نجوئیم. تدبیر امور جهان در دست خداست و شفا و رزق وروزی و سرنوشت ما هم در دست اوست. (اگر) شفاعتی برای کسی انجام شود و (اگر) خدا**

اجازه دهد و (اگر) پذیرفته شود و (اگر) شفیع دعای شما را بشنود و (اگر) شفیع بتواند جواب دهد و چند تا اگر دیگر ... . بسیار بی معنی و تاسف بار است که در دعاهایمان به غیر او روی آوریم فقط بخاطر چند تا (اگر و مگر) و شرط و شروط. چرا از خدای یکتایی نخواهیم که از رگ گردن به ما نزدیکتر است و قطعا و بی اگر و مگر جواب میدهد. خدایی که می فرماید (ادعونی استجب لکم)، قطعا دعاها را جواب خواهد داد. چه کسی میتواند به اندازه خدا مهربان باشد و درد دل و راز و نیازهای بندگانش را گوش دهد و آن را درک کند؟ چه کسی به غیر از خدا میتواند نیات قلبی افراد را متوجه شود و نیاز آنان را با توجه به نیت افراد درک کند؟ آیا کسی غیر از خدا، با این خصوصیات هست؟ آیا در میان تمام موجودات غیر از خدا، کسی هست که بتواند درخواستها و نیازهای یک موجود کوچک میکروسکوپی را تامین کند؟ اگر کسی را سراغ دارید، بروید و دعاهای خویش را از او بخواهید و اما اگر نیست، پس باید با تمام وجود تسلیم آن قدرت مطلق باشیم. اگر در این دنیا کسی پیدا شود که بتواند جواب دعاهای دعا کنندگان را بدهد، قطعا نیازهای موجودات دیگری را هم برآورده میسازد. اما آیا غیر از خدا کسی هست؟ خیر

ابتدا یک سوء تفاهم قرآنی رفع شود، بعضی مواقع سوء تفاهماتی پیش می آید که شیطان ملعون آن را بوجود می آورد. انسان عجول و فراموش کار است و زود جوگیر می شود. برای فهم آنچه که قرآن در مورد شفاعت فرموده است، ابتدا باید بین دو مفهوم قرآنی تفاوت قائل شد. باید بین شفیع گرفتن و شفاعت کردن تفاوت قائل شد. می دانیم که تعداد زیادی از آیات قرآن شفاعت را نفی می کنند و تعداد دیگری

شفاعت کردن را با اذن و اجازه پروردگار مجاز می دانند. آن چیزی که قرآن آن را نفی و نهی می کند "شفیع گرفتن" است و آن چیزی که مجاز است "شفاعت کردن" است. اگر شفاعتی هست، خودجوش از طرف شفیع مطرح می شود.

بگذارید کارها طبق نظام رحمانی پیش رود، همه شفاها و استجابتها نزد خداست و بس. مثالهایی از توسل به غیر خدا در قرآن ذکر شده است. اما همه اینها مربوط به زمانی است که توسل شونده، زنده بوده است و قادر به شنیدن درخواست و جواب دادن به آن بوده است. همانند برادران یوسف که در زمان زنده بودن پدرشان از او خواستند از خدا برایشان استغفار کند. اما چرا برادران یوسف و آدمهای بد دیگر را باید الگوی خود قرار دهیم. چرا پیامبران را الگوی خویش قرار نمی دهید؟ آیا حتی یک پیامبر در قرآن به غیر خدا توسل کرده است؟ خیر.

بگذارید خدای مهربان خودش گرمی های لازم را در زندگی ها بیندازد. خنده و گریه دست خداست. خدا خودش می گریاند و می خنداند. ما باید بگذاریم که خدا خودش هر آنچه که از گرمی ها در زندگی لازم داریم و به آن نیازمندیم، برایمان جاری و ساری کند. خدا از هر کسی برای انسان، خیرخواه تر است و آن قادر متعال بهتر از هر کسی میداند که سیستم روان ما چطوری می چرخد. موسی در بیابان سر در گم و نیازمند میشود و از خدا میخواهد هر آنچه نیاز مبرم اوست، به او داده شود. خدا نیاز او را به ساده ترین و کم هزینه ترین روش برآورده کرد.

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿۲۴﴾

پس برای آن دو [گوسفندان را] آب داد آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم (۲۴)

یکی بود که در اینترنت پکیج خوشبختی می فروخت. او در این پکیج سخنان گرمی و دلخوشکنک های زیادی زده بود. جالب است که او این پکیج را به دهها هزار نفر فروخته بود! مثلا میگفت که اگر ده مورد زیر را رعایت کنید، خوشبخت میشوید یا اگر بیست جمله زیر را هر روز صبح تکرار کنید، موفقیت و موقعیتهای خوب به شما روی خواهند آورد! اینها همش روان فریبی و گرمی هستند که باعث ضعف روان آدمی میشوند.

مردم مدرک میگیرند ولی هیچ تخصصی یاد نمی گیرند. اینها همگی یک نوعی گرمی است. مدرکهای بی تخصص و بی فایده یک تکه کاغذ پاره و گرمی هستند. سود ربایی یک گرمی است و آدمیان با خوردن آن، آتش میخورند. به همین خاطر خدای حکیم، ربا را به خوردن آتش تشبیه کرده است. کلا گرمی های مازاد بر نیاز، همگی به آتشهای اضافی در بدن تبدیل میشوند و سیستم عصبی و روانی و هورمونی انسانها را به هم می ریزند.

مهریه های بالا هم نوعی گرمی کاذب است که باعث نابودی زندگی ها میشود و آتش در زندگی ها می اندازد. انواع عمل جراحی های زیبایی یک نوع گرمی کاذب هستند که اعتماد به نفس کاذب به افراد تزریق میکنند. اصلا هدف اصلی زندگی این دنیا، بدست آوردن زندگی در آخرت است و گرنه کل زندگی این دنیا یک گرمی و

سرگرمی بیش نیست. لهو و لعب در عربی به معنای سرگرمی است. سرگرمی هم نوعی گرمی است.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۶۴﴾
این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند (۶۴)

این همه گرمیجات که انسان برای خودش درست کرده است، همگی ادامه داستان عصیان شیطان علیه خدای رحمان است. راز سلامتی و چابکی گوزن در این است که در حین علف خوردن، مواظب است که شیر به او حمله نکند، در حین آب خوردن مواظب است که تمساح او را نگیرد. گوزن تمام عمر خویش همیشه با این نوع سردی زندگی میکند و راز سلامتی و چابکی او در همین است. اگر همین گوزن را به یک محیط بسته ببرید که محافظت شده است، چابکی و سلامت خود را از دست میدهد.

اگر خوب دقت کرده باشید، کسانی که مشغولیت کاری دارند، کمتر بیمار میشوند. زیرا به قول معروف بعضی مواقع آدمی یادش میرود بیمار شود و یا اینکه وقتش را ندارد بیمار شود. بیماری در عدم مشغولیتها بوجود میاید و دلیل اصلی ایجاد بیماری، گرمیجات کاذب است. کسانی که سختی های نظام رحمانی را بوسیله انواع گرمی ها برای خود از بین میبرند، بدن و روانشان شل و ول بار میاید و ضعیف میشوند و در نتیجه نقطه ضعف برای خودشان میسازند. طبق فرموده خدای حکیم در قرآن، دوران

قاعدگی و زایمان برای زنان همراه با زجر و اذیت است و این زجر و اذیت آتش و گرمی وجودی آنان را میزان و تنظیم میکند و گرنه زنان به تنهایی توانایی این کار را ندارند.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾

از تو در باره عادت ماهانه [زنان] مى پرسند بگو آن رنجى است پس هنگام عادت ماهانه از [آميزش با] زنان كناره گيرى كنيد و به آنان نزديك نشويد تا پاك شوند پس چون پاك شدند از همان جا كه خدا به شما فرمان داده است با آنان آميزش كنيد خداوند توبه كاران و پاكيزگان را دوست مى دارد (٢٢٢)

زنان در آن روزها، اذیت میشوند و البته امروزه متاسفانه زنان بوسیله قرصها و داروهای شیمیایی این رنج را به حداقل میرسانند و این اشتباه بزرگی است. تحمل این رنج آتش و گرمی وجودی آنان را تنظیم میکند و بعد از قاعدگی ، زندگی نرمالتری خواهند داشت و از بیماریهای زنانه مصون خواهند بود. انسانها هر چقدر که طبق نظام رحمانی منطبق تر زندگی کنند، جوابشان را بی حساب می گیرند. وقتی در نظام رحمانی صبر کنی و در این راه رنج بکشی، مزدش را خواهی گرفت (إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ**).**

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو ای بندگان من که ایمان آورده اید از پروردگارتان پروا بدارید برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده اند نیکی خواهد بود و زمین خدا فراخ است بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت (۱۰)

خدای رحمان بخشنده است؛ وقتی سختی های معمول نظام رحمانی را تحمل کنید، اجرش را خواهید گرفت. سیستم ایمنی بدن انسان، به معنای واقعی هوشمند است و هربار که دردی را تسکین دهد و مشکلی را حل کند، برای دفعه بعد، هوشمندتر میشود و بهتر عمل میکند. عدم احساس درد در بیماریها، سیستم ایمنی بدن را فریب میدهد و آن را همچنان کودک و بی تجربه نگه میدارد. مردم بوسیله قرصهای مسکن و مخدرات، هر دردی را از بدن خویش حذف میکنند و سیستم ایمنی بدنشان را از یادگیری و ارتقاء محروم میکنند. قاعدگی برای زنان حادثه بدی نیست که با درد آن مقابله شود، این حادثه برای یک زن، یکبار دو بار پیش نمی آید که یک بیماری بحساب آید. خدای رحمان آن را در وجود آنان گذاشته است و جزو تفکیک ناپذیر سیستم وجودی شان است. خدا خودش می فرماید که قاعدگی نوعی اذیت است (قُلْ هُوَ أَذًى**)، یعنی باید بگذارند روند طبیعی اذیت آن طی شود و آن را بوسیله مسکن و قرصهای شیمیایی قطع نکنند، تا آتش و گرمی وجودی زنان کاملا مثلا اولش تنظیم شود.**

در این دنیا همه چیز به نوعی حافظه دارند، سیستم ایمنی بدن انسان هم حافظه دارد و از عملکرد خودش یاد می گیرد. خدا در آیه می فرماید که هُوَ **أَذًى فَاعْتَزِلُوا** النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ **یعنی دوران قاعدگی اذیت است و در آن دوره از زنان دوری کنید. وقتی خدا می فرماید که دوره قاعدگی اذیت است، یعنی یکی از خصوصیات دوران قاعدگی**

اذیت شدن است که نباید این خاصیتش را از بین برد. باید دوری کنید در آن روزها از آنان؛ زیرا در آن روزها، پاکسازی نار و گرمی وجودی صورت می گیرد و ممکن است که درگیریهای ناخواسته پیش آید و زنان گرمی وجودیشان با گرمی شوهرشان درگیر شود. به همین خاطر می فرماید که نزدیکشان نشوید تا از این مغناطیس پاک شوند (وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ) **و گرمی و نار زنانگی خالص خویش را ریکاوری کنند. در صورتی که اذیت در آن نباشد؛ خاصیت زنانگی زنان منحرف میشود و دچار انواع بیماریهای زنانه هم میشوند.**

سیستم ایمنی بدن انسان، یک ماشین به تمام معنا هوشمند و خودکفاست که از داده های قبلی خود یاد می گیرد. اگر زنان بوسیله قرصهای مسکن و مخدر و سایر گرمی ها، قاعدگی را بی تاثیر کنند، دستگاه ایمنی و کاهش درد بدن آنان، از آن به بعد براساس قرصها برنامه ریزی میکند و فریب میخورد و عملا به قرصها معتادش میشوند. گرمی هایی که شیطان برای انسان پیشنهاد میدهد، فریبنده هستند. کید شیطان ضعیف است اما این کید برای کسی ضعیف است که به خدای عالمیان پناه برده باشد و گرنه برای کسی به خدا پناه نبرده باشد، ضعیف نیست.